



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۲

مصادف با: ۹ رجب ۱۴۳۴

جلسه: ۳۸

موضوع کلی: روش‌های تفسیری

موضوع جزئی: انحاء روش‌های تفسیری - تفسیر اثری

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### الف) تفسیر اثری (نقلی)

در این روش تفسیری عمدتاً بر نقل و اثر تکیه می‌شود، حال این اثر و نقل یا خود قرآن و آیات قرآنی است یا روایات وارد شده از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) و یا اقوال صحابه و تابعین، البته در اصطلاح، تفسیر نقلی یا تفسیر به مأثور بیشتر برای تفسیر قرآن به روایات بکار می‌رود و لذا در تقسیم بندی‌ها، روش تفسیری قرآن به قرآن در برابر روش تفسیری روایی یا اثری استعمال می‌شود اما به نظر دقیق چون این روش در مقابل روش عقلی، مبتنی بر نقل است و این نقل یا نقل خود قرآن است یا نقل کلمات معصومین (ع) و یا نقل کلمات صحابه لذا روش تفسیری نقلی شامل تفسیر قرآن به قرآن هم می‌شود ولی چون آنچه که بیشتر منصرف به ذهن است تفسیر روایی است لذا ما تفسیر قرآن به قرآن را با اینکه در محدوده تفسیر اثری قرار می‌گیرد ولی به جهت اهمیت آن، مستقلاً مورد رسیدگی قرار خواهیم داد و در این مقام بیشتر به دو قسم دیگر؛ یعنی تفسیر قرآن به روایات و تفسیر به قول صحابه می‌پردازیم.

#### ۱- تفسیر روایی

تفسیر قرآن به روایات (تفسیر روایی) شامل تفسیر قرآن به روایات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) است، در این روش با استناد به روایات، قرآن تفسیر می‌شود، خود پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در موارد زیادی به مناسبت‌های مختلف به تفسیر و تبیین آیات پرداخته‌اند، حال آنچه از پیامبر (ص) و ائمه (ع) در رابطه با آیات قرآن وارد شده یا مربوط به شأن نزول است یا تبیین متشابهات قرآن، یا توضیح تأویلات قرآن و یا حتی تطبیقات قرآن بر موارد و مصادیق است، به هر حال همه این موارد به فهم مقصود و مراد آیه کمک می‌کند. البته بین شیعه و اهل سنت در این جهت اختلاف است، ما که می‌گوییم تفسیر روایی منظور تفسیری است که شامل روایات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) می‌شود اما اهل سنت، روایات پیامبر (ص) را مورد نظر قرار می‌دهند و احیاناً روایات امیرالمؤمنین (ع) را هم به عنوان کسی که از پیامبر (ص) نقل کرده یا به عنوان یکی از صحابه می‌پذیرند.

#### بررسی تفسیر روایی

این روش تفسیری (روش اثری)، روش معتبری است ولی روش کاملی نیست، یعنی اگر کسی بخواهد صرفاً بر اساس روایات به تفسیر قرآن بپردازد روش کاملی نخواهد بود چون:

**اولاً:** روایات، شامل همه آیات قرآن نمی‌شود، یعنی روایاتی که در ذیل آیات وارد شده محدود است، **ثانیاً:** در بین روایات هم روایات معتبر و غیر معتبر داریم و مسلماً نمی‌شود به ضِعاف از این روایات استناد کرد و به تفسیر آیات قرآن پرداخت. لذا تفسیر روایی در صورتی می‌تواند روش کاملی برای تفسیر قرآن باشد که تعقل و تدبر در آیات دیگر هم به آن ضمیمه شود که اگر اینها با هم در تفسیر، لحاظ شود روش تفسیری کاملی خواهد بود. پس روش تفسیری روایی اگر چه یک روش معتبری است ولی اکتفاء به این روایات قهراً موجب می‌شود که ما نتوانیم بخشی از آیات را تفسیر کنیم یا از آیات دیگر برای تفسیر یک آیه کمک بگیریم.

البته به این مسئله باید توجه شود که روایاتی که در دست ماست بیشتر از روایات تفسیری اهل سنت است، چون آنها فقط روایاتی را که از پیامبر (ص) نقل شده که به حسب آنچه در کتاب‌ها آمده خیلی زیاد هم نیست، مرجع برای تفسیر قرار می‌دهند اما ما روایات معصومین (ع) را هم ضمیمه می‌کنیم که خیلی بیشتر از روایات اهل سنت است اما معذک آیات زیادی است که در ذیل آنها روایتی نقل نشده لذا نمی‌توان روش تفسیری روایی را به عنوان تنها روش تفسیری پذیرفت و از روش‌های دیگر صرف نظر کرد.

مشکلی را هم که به عنوان آفت تفسیر نقلی ذکر کردیم قهراً در تفسیر روایی وجود دارد و انسان باید مراقب باشد تا به آن مبتلا نشود، چون هم اسرائیلیات وارد در روایات تفسیری شده و هم بعضی از روایات در این رابطه جعل شده و بعضی از روایات هم از نظر سندی روایات ضعیفی هستند که برای اینکه این اختلاط و آمیختگی پیش نیاید و مجعولات و اسرائیلیات به دایره روایات تفسیری راه پیدا نکند قهراً در مقام تفسیر، برای اینکه بتوانیم از روایات بهره‌گیری کنیم باید احادیث را مورد بررسی قرار دهیم، یعنی هم از نظر سند و هم از نظر دلالت و فقه الحدیث باید این روایات بررسی شود، در تفسیر روایی این گونه نیست که ما بتوانیم هر روایتی را اخذ کنیم بلکه باید آن را از نظر سند و دلالت مورد بررسی قرار دهیم، حال اگر فرض شود روایتی معتبر باشد و سند آن هم صحیح باشد به گونه‌ای که با ظاهر آن آیه متناقض نباشد می‌توان آن را پذیرفت ولو آنکه بر خلاف ظاهر باشد مثلاً از مواردی باشد که تأویل آیه را ذکر کرده باشد، که در این صورت می‌توان ظاهر آیه را طبق این روایت تفسیر کرد البته به شرط اینکه آن روایت، با آیات دیگر منافات نداشته باشد، چون اگر منافی و مناقض با قرآن باشد نمی‌توان آن را پذیرفت، اما اگر منافی با آیات دیگر نباشد و ظاهر آیه بر روایت مورد نظر که سنداً معتبر است قابل حمل باشد می‌توان به آن روایت، استناد کرد.

مجعولاتی که در روایات وارد شده کم نیست تا جایی که نقل می‌کنند: یکی از زهاد مشغول جعل حدیث در فضیلت سوره‌ای از سور قرآن بود، به او گفتند: چرا این کار را می‌کنی؟ گفت: من دیدم مردم به قرآن علاقه‌مندند خواستم علاقه آنها را بیشتر کنم - یا کم علاقه‌اند خواستم آنها را علاقه‌مند به قرآن کنم - گفتند: مگر نشنیده‌ای که پیامبر (ص) می‌فرمایند: هر کسی که حدیث جعل کند و به من دروغ بدهد جایگاه او در جهنم است؟ گفت: من به ضرر پیامبر (ص) جعل حدیث نکرده‌ام بلکه به نفع او

دروغ گفته و حدیث جعل کرده‌ام، یعنی می‌خواهد بگوید اگر دروغی به نفع دین پیامبر (ص) بود اشکالی ندارد، در صورتی که طبق آیات و روایات، دروغ گفتن حرام است مگر در جایی که برای نجات شخصی باشد که آن هم در حقیقت نجات دین است. در مجموع، روایات قطعاً برای فهم مقصود و تفسیر آیه نقش مهم و اساسی دارند، حتی به نظر برخی این روش نزدیک‌ترین و سالم‌ترین راه فهم قرآن است، چون کسانی این آیات را تفسیر کرده‌اند که به عصر نزول قرآن نزدیک بوده یا در همان عصر بوده‌اند، پیامبر (ص) و ائمه (ع) را درک کرده‌اند، وقتی در آن عصر زندگی می‌کرده‌اند قهراً آنچه که از قول پیامبر (ص) و ائمه (ص) نقل کنند می‌تواند روش مطمئنی برای تفسیر قرآن باشد، ولی باید توجه داشت که اگر این روش، نزدیک‌ترین و سالم‌ترین روش تفسیر قرآن است به معنای نفی روش‌های دیگر نیست، نهایتش این است که ما را مطمئن می‌کند که روایات یک منبع و ابزار مهمی برای تفسیر قرآن است ولی به هیچ وجه نمی‌توان گفت روایات تنها ابزار برای تفسیر قرآن است به گونه‌ای که تعقل و استناد به آیات دیگر کنار گذاشته شود و فقط به روایات اخذ شود بلکه ما مجبوریم برای تفسیر قرآن از روش‌های دیگر هم استفاده کنیم یعنی باید در کنار روایات، از آیات و تعقل هم بهره بگیریم یعنی یک روش تلفیقی را اخذ کنیم، اجتهاد یا تعقل در قرآن به این معنی نیست که روایات نادیده گرفته و معنی توجه به روایات هم این نیست که روش تعقلی و اجتهادی کنار گذاشته شود و هیچ کدام از این دو روش به این معنی نیست که تفسیر قرآن به قرآن را نادیده بگیریم.

به هر حال آنچه ما در این مقام در صدد اثبات آن هستیم این است که روش تفسیری روایی (اثری) روش قابل اعتمادی است ولی نمی‌تواند به عنوان تنها روش تفسیر قرآن و تنها منبع و ابزار برای تفسیر قرآن باشد.

## ۲- تفسیر به قول صحابه و تابعین

در بین اهل سنت، تفسیر قرآن به قول صحابه و تابعین هم انجام می‌شود، یعنی علاوه بر آنچه که صحابه و تابعین از پیامبر (ص) در تفسیر قرآن نقل می‌کنند، آنچه خود صحابه و تابعین در تفسیر قرآن می‌گویند قابل اخذ بوده و می‌توان به آن تمسک کرد. این روش فی نفسه نزد شیعه اعتبار ندارد مگر اینکه روایت صحابه یا تابعین مستند به یکی از معصومین (ع) باشد.

### خلاصه:

خلاصه آن که تفسیر اثری (نقلی) به سه قسم عمده تقسیم شد:

۱- تفسیر قرآن به قرآن که مستقلاً مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲- تفسیر قرآن به روایات پیامبر (ص) و معصومین (ع).

۳- تفسیر قرآن به قول صحابه و تابعین، این قسم مورد قبول شیعه نیست و قول صحابه و تابعین فی نفسه برای ما اعتبار ندارد.

«والحمد لله رب العالمین»